

بررسی نقش تحولات اقتصادی قرن بیستم بر مسؤولیت کیفری

(بخش نخست)

علی رستمی فر^۱

مقدمه

در سیر تحولات اقتصادی قرن بیستم و نیز پس از ظهور دیدگاه‌های مکتب تحقیقی، تحولاتی در مسؤولیت کیفری پدید آمد که به طور عمده سه نظریه مهم را در پی داشت. این سه نظریه عبارت بودند از: الف - مسؤولیت کیفری مطلق (بدون رکن معنوی یا جرایم مادی صرفاً) ب - مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی ج - مسؤولیت کیفری ناشی از عمل غیر.

تاکنون منشأ پیدایش، مبانی، آثار و نیز حدود یا قابلیت پذیرش این نظریات در حقوق کشورمان مورد بحث جدی و اساسی قرار نگرفته است. این نوشته در صدد بررسی این مسائل و ارائه راهکارهایی متناسب با اصول حقوقی کشورمان می‌باشد. تاکنون از این زاویه مطالعه خاصی به عمل نیامده است (حداقل می‌توان گفت یافت نشد). در زمینه مسؤولیت کیفری بدون رکن معنوی صرفاً مطالب متعارض و اندکی در برخی کتاب‌های حقوقی

۱. سردفتر استاد رسمی ۴۵ قشم (کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی).

جزای اختصاصی مطرح شده است. درباره مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی مقالاتی به رشته تحریر درآمده که در کنار مطالب مذکور در کتاب‌های حقوق جزای عمومی دستمایه قابل توجهی برای پژوهش به شمار می‌آیند و در کنار آن در تألیفات برخی از استادان به صورت اختصار مطالبی بیان شده که حکایت از پذیرش نظریه مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی است گرچه برخی از مؤلفین این نظریه را با تشکیک به آن پرداخته‌اند. درباره مسؤولیت کیفری ناشی از عمل غیر نیز تحقیق مستقلی یافت نشد و صرفاً در کتاب‌های حقوق جزای عمومی شواهدی از پذیرش این نظریه در حقوق کشورمان آورده شده که بیشترین آنها مخدوش بوده و مربوط به مسؤولیت کیفری می‌باشند.

لذا این تحقیق در دو بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد، ما در بخش اول؛ مبانی مسؤولیت کیفری مطلق و در بخش دوم؛ مسؤولیت کیفری ناشی از عمل دیگری و مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی و مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال جرائم تطهیر اموال با رویکردی بر قانون شماره ۳۵ کشور کویت و در پایان به نتیجه گیری و ارائه پیشنهاد می‌پردازیم.

بخش اول - مبانی مسؤولیت کیفری مطلق^۱

توسعه و گسترش فعالیت‌های اقتصادی در این قرن و صنعتی که متأثر از انقلاب صنعتی قرن نوزدهم بود پس از جنگ جهانی دوم شتاب بیشتری به خود گرفت و موجب تحول در مفاهیم مسؤولیت کیفری و متعاقب آن ارائه نظریات جدیدی از سوی حقوقدانان مبنی بر «مسؤولیت کیفری مطلق» گردید.

به اعتقاد برخی از حقوقدانان تعداد کمی از جرائم وجود دارند که بدون هیچ‌گونه عنصر روانی، با وجود حداقل يك جنبه از عنصر مادی، می‌توانند ارتکاب یابند، این جرائم به «جرائم با مسؤولیت مطلق»^۲ (مادی صرف) شهرت دارند و اصولاً این‌گونه مسؤولیت‌های

1 . Strict liability.

2 . www. Ssnp.info.

کیفری فقط توسط قانونگذار ایجاد می‌شود.^۱ لذا برای روشن شدن موضوع، این مبحث را در پنج گفتار بررسی می‌کنیم.

گفتار اول - اهداف، تقویت، توسعه و تعمیم نظریه مسؤولیت مطلق

بند اول - اهداف

گسترش فعالیت‌های اقتصادی توسط مؤسسات اقتصادی - صنعتی و عدم توجه و رعایت رؤسا و مدیران این مؤسسات به قوانین و مقررات مربوط به فعالیت از يك طرف و عدم نظارت و مراقبت ایشان بر کارکنان خود از طرف دیگر و مضاف بر آن دشواری مقامات تعقیب در اثبات عنصر روانی موجب شد از سوی حقوقدانان نظریه‌ای به نام مسؤولیت کیفری بدون عنصر روانی «مسؤولیت کیفری مطلق» در حقوق جزا پدید آید.

یکی از اهداف مسؤولیت کیفری بدون عنصر روانی، واداشتن رؤسای این‌گونه مؤسسات و بنگاه‌های اقتصادی - صنعتی به رعایت قوانین و مقررات مربوط به فعالیت و تشدید مراقبت آنان نسبت به فعالیت اتباع و کارکنان شان بود.

هدف دیگر، کاستن از بار اثبات عنصر روانی بود که بر دوش تعقیب‌کنندگان این تخلفات سنگینی می‌کرد زیرا در اغلب موارد اثبات عنصر روانی در این‌گونه تخلفات امری بس دشوار بوده، حذف عنصر روانی و اکتفا به عنصر مادی برای تحقق جرم و مسؤولیت کیفری تا حد زیادی این بار را از دوش تعقیب‌کنندگان بر می‌داشت.

بند دوم - تقویت نظریه مسؤولیت مطلق

آنچه موجب تقویت گرایش مذکور شد این بود که از طرفی تخلف از مقررات مورد بحث، جرم به معنای سنتی و متعارف خود به شمار نمی‌آمد و از طرف دیگر مجازات‌های مورد حکم در این‌گونه تخلفات نیز فاقد صفات مجازات در جرائم عادی بود، زیرا اغلب مجازات‌های مذکور در قالب جزای نقدی تبلور می‌یافت و علاوه بر آن به اعتقاد نویسندگان

1 . Elliott and Frances Quian, Criminal Law Pearson Education Limited.1996.p28.

کتاب حقوق جزا^۱ قوانین موضوعه تا این حد ملزم نیستند که بیان دارند این جرم با مسؤولیت مطلق است و گاه نحوه انشاء قانون این مسئله را مشخص می‌کند، در غیر این صورت، اتخاذ تصمیم به خود دادگاه محول می‌شود که براساس این اصول تصمیم بگیرند. در پرونده گامن (شرکت هنگ کنگی با مسؤولیت محدود) علیه ای. جی (۱۹۸۵) مشاهده می‌گردد که متهمان به کار ساخت و ساز مسکن در هنگ کنگ اشتغال داشتند. قسمتی از ساختمانی که آنان بنا کرده بودند، فرو ریخت و احراز شد که دلیل فرو ریزی، پیروی نکردن دقیق بتا از نقشه اصلی ساختمان بوده است. مقررات ساختمان‌سازی هنگ کنگ، سریچی اساسی از چنین نقشه‌هایی را ممنوع کرده بود و اشخاص، به نقض مقررات متهم شدند. دادگاه متهمان را به ۲۵۰۰۰ دلار جزای نقدی محکوم نمود. متهمان در دادگاه تجدیدنظر استدلال کردند که آنان در قبال فرو ریختن ساختمان مسؤولیت ندارند، چون اطلاع نداشتند این تغییرات را به وجود آورده‌اند، تغییرات قابل ملاحظه‌ای بود با وجود این، شورای سلطنتی مقرر کرد که مقررات مربوطه باعث جرائم با مسؤولیت مطلق می‌شوند و محکومیت آنها ابرام شد.^۲

یکی از حقوقدانان به نام اسکارمن که از قضات برجسته انگلستان بود در تقویت این نظریه و ضمن تشریح اصولی که براساس آنها، اتخاذ تصمیم شد، تأیید می‌نماید که همواره اماره‌ای قانونی وجود دارد بر این مبنا که قبل از اینکه مجرم بودن شخص بتواند مقرر شود عنصر روانی، لازم است اما عواملی وجود دارند که مستقیماً یا مشترکاً می‌توانند جایگزین این اماره قانونی شوند.

در دعوی آلفاسل علیه وود وارد (که در سال ۱۹۷۲ در مجلس اعیان مطرح بوده)، شرکت خوانده تولید کننده کاغذ بوده و محل آن در مجاورت رودخانه‌ای قرار داشت. جریان تولید کاغذ فاضلاب‌هایی تولید می‌کرد که به داخل دستگاه تصفیه‌ای که برای جلوگیری از ورود فاضلاب به داخل رودخانه تعبیه شده بود، وارد می‌شد. این دستگاه به طور منظم

1. Elliotand Quinn andother. Ibid.p.29.

2 . Elliotand Quinn andother.Ibid.p.29.

مورد بازرسی قرار گرفته و به خوبی از آن نگهداری می‌شد، با وجود این امر و کنترل منظم در يك مورد به دلیل مسدود شدن یکی از تلمبه‌ها، فاضلاب به درون رودخانه سرازیر گردید. محکومیت متهمین در قبال اتهام وارد کردن مواد آلوده به داخل رودخانه به موجب بخش ۲-۱ الف قانون جلوگیری از آلودگی رودخانه مصوب ۱۹۵۰ توسط مجلس اعیان انگلستان ابرام شد. این واقعیت که آنها از ایجاد آلودگی اطلاع نداشته و دلیلی هم برای اینکه آن را در حال تحقق بدانند نداشته اند، وارد دانسته نشده.^۱

بند سوم - توسعه و تعمیم مسؤولیت مطلق در حقوق اروپایی

توسعه اغلب جرائم با مسؤولیت مطلق از اواخر قرن نوزدهم آغاز گردیده اما تأثیر تحولات اقتصادی صنعتی در قرن نوزدهم ناچیز و اندک است، متعاقب تحولات اقتصادی - صنعتی در قرن بیستم و افزایش سیر این تحولات موجب شد با تأثر از این تحولات فزاینده این قرن، مقررات مختلفی در زمینه مسؤولیت مطلق (Strictliability) وضع شود و کشورهای اروپایی عملاً مسؤولیت مطلق را در قوانین بهداشت عمومی امنیت و رفاه، مقررات عبور و مرور، حمایت از مصرف کننده، کنترل غذا و داروهای ناسالم، حفظ محیط زیست و نظایر آنها یکی پس از دیگری وضع و تصویب نمودند.

ممکن است این تصور ایجاد شود که این گونه مسؤولیت‌ها با توجه به اینکه عنوان جرم به معنای واقعی نیستند و در واقع يك تخلف و شبه جرم (Tort) اند، تحت نظارت و کنترل مقامات اداری باشند و با این نگرش به مقامات محلی این اجازه داده شود که حق بستن و یا به هر شکل دیگری محدود کردن عملیات شرکت‌هایی که موجب ورود مواد آلوده کننده به رودخانه ها می‌شوند، داشته باشند. لیکن بدین جهت که امکان دارد مقامات اداری نتوانند در راستای اجرای این وظایف به نحو احسن اقدام نمایند، قانونگذاران و حقوقدانان اروپایی معتقد شدند که حقوق جزا می‌تواند مؤثرترین ابزار به عنوان ضمانت اجرا برای چنین مقرراتی باشد. زیرا با اتکا بر ضمانت اجراهای جزایی بهتر می‌توان دقت و

1 . Byc.M.Clarkson Understanding Criminal Law.p.58.

پشت کار لازمه را تضمین نمود و باعث شد افرادی که در چنین عملیاتی فعالیت دارند، بر کار مؤسسات خود نظارت بیشتری داشته و در رعایت قوانین و مقررات دقت عمل بیشتری به خرج دهند و مضاف بر این نتایج حاصله از بی توجهی به قوانین و مقررات موجبات صدمات واقعی و جدی می‌گردیدند. به طور مثال وارد کردن مواد آلوده به رودخانه‌ها قطعاً صدمات جبران ناپذیری به محیط زیست وارد می‌نماید که حقوق جزا با مکانیزم‌های خود بهتر می‌توانست از ضرر وارده جلوگیری نماید.

مفهوم مسؤولیت کیفری مطلق از حدود ۴۰ سال قبل و در زمان ریاست جمهوری کندی در آمریکا برای اولین بار در قالب قواعد سختگیرانه مطرح شد که عنوان 'Strict Liability' به خود گرفت و به تدریج راه‌حل‌هایی برگرفته از رویه عملی دادگاه‌ها در قانون دولت فدرال آمریکا درج و قانون "Restatement Second" را تشکیل داد که برای همه محصولات ناقص و فاقد ایمنی قابل اجرا شناخته شد. این نگرش مسؤولیتی در حقوق آمریکا به تدریج مورد پذیرش اکثر کشورهای اروپایی قرار گرفت و در قانون اروپایی ۲۵ جولای ۱۹۸۵ به عنوان راه حل اساسی و لازم‌الاتباع برای همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا لحاظ شد و کشورهای اروپایی عضو اتحادیه اروپا مکلف شدند که قوانین داخلی خود را بر مبنای آن تدوین نمایند. کشورهای اروپایی به تدریج از سال ۱۹۸۵ قواعد امری مربوط به مسؤولیت مطلق در خصوص کالاهای فاقد ایمنی را در حقوق داخلی خود وارد کردند یکی از این کشورها، فرانسه بود که از این رهگذر قانون مربوطه را در سال ۱۹۹۷ تصویب نمود.

بارونس ووتون «baroness wotton» یکی از حقوقدانان اروپایی از تحمیل مسؤولیت مطلق برای همه جرائم حمایت می‌کند.^۱

آقای دبلیو جی براون معتقد است: «برخی جرائم خاص، مسؤولیت مقطوع یا مطلق دارند و عنصر معنوی در تحقق آنها ضروری نیست. برای مثال، قانون سلامتی و امنیت

1. Elliot and auin.lbit.p.30.

محیط کار و غیر آن، مقرر می‌دارد که ماشین‌های خاصی باید پوشش ایمنی داشته باشند و اگر این پوشش‌ها نصب نباشد، کارفرمایان مطلقاً مسؤولند خواه خسارت از عدم نصب این پوشش حاصل شده باشد یا نشده باشد. در یک قضیه کارفرمایان از یک پیمانکار خارج از خودشان درخواست کردند که بر مقررات ایمنی نظارت کند، اما به هنگامی که پیمانکاران کارگاه را با استلزام‌های قانونی مطابقت ندادند، کارفرمایان همچنان مسؤول دانسته شدند، مسؤولیت مطلق وقتی بروز می‌کند که جرم مشتمل بر انجام عملی غیرقانونی یا انجام ندادن یک تکلیف قانونی باشد (عنصر مادی)، اینجا قصد مجرمانه (عنصر معنوی) دخیل نیست.

البته باید این نکته را مورد امعان نظر قرار دارد که در حقوق جزا يك فرض کلی وجود دارد که عنصر معنوی در همه جرائم لازم است. این قاعده تنها در صورتی می‌تواند جایگزین شود که قانونی از پارلمان صریحاً یا ضمناً لزوم عنصر معنوی را مستثنا کرده باشد.

در قرن بیستم خاصه پس از جنگ جهانی دوم، مسؤولیت مطلق چنان گسترش و توسعه پیدا کرده که می‌توان این توسعه و گستردگی را در «مقررات مسؤولیت فرآورده در ایالات متحده آمریکا و کشورهای جامعه اقتصادی اروپا» به وضوح مشاهده نمود.

در قرن بیستم کشورهای اروپای غربی، به سوی مقررات مسؤولیت فرآورده‌ای که نسبت به قبل در مورد شغل‌ها و حرفه‌ها، سختگیرتر بود پیش رفتند و این امر هم ناشی از حوادث غم‌انگیزی بود که در طول سال‌های ۱۹۶۰، زمانی که صدها کودک در انگلیس و آلمان به دلیل استفاده مادران‌شان از دارویی به نام تالید و ماید در دوران حاملگی ناقص به دنیا آمدند.

پیشنهاد جامعه اقتصادی اروپا (ئی ئی سی) مبتنی بر مفهوم حقوقی «مسؤولیت مطلق» است و در این زمینه آنها به مقررات خشن مسؤولیت فرآورده ایالات متحده آمریکا تاسی می‌جویند. به کارگیری اصطلاح «مسؤولیت مطلق» بدین مضمون است که اگر

محصولی به دلیل نقص در ساخت، موجب آسیب رساندن شود، تولید کننده حتی اگر تمامی احتیاطات و جوانب لازم را در تولید محصول رعایت نماید، باز مسؤول خواهد بود و علاوه بر این در این پیشنهاد اظهار می‌دارد، تولید کننده حتی از بابت نقایصی که در زمان به جریان افتادن محصول از نظر توسعه علمی و تکنولوژیکی قابل پیش‌بینی نباشد مسؤول است و يك مرور زمان ده ساله برای مسؤولیت شرکت، پیشنهاد می‌کند.^۱

به عبارتی می‌توان قرن بیستم را قرن توسعه و تعمیم مسؤولیت کیفری مطلق نامید. زیرا قانون‌گذاران اروپایی در قوانین فروش مواد غذایی و دارویی، قوانین عبور و مرور جاده‌ای، قانون توصیفات تجاری، قانون حمایت از مصرف‌کننده، قانون آلودگی، قوانین کارخانجات و قوانین مشابهی که هدف آنها حمایت از عموم در چنین فعالیت‌هایی است مسؤولیت کیفری مطلق را پذیرفته‌اند.

گفتار دوم - مبانی مسؤولیت کیفری مطلق

تحولاتی که در اقتصاد و صنعت پس از جنگ جهانی دوم در اروپا پدیدار شد مسائلی جدیدی را مطرح کرد. از يك طرف گسترش صنعت موجب شده بود اشخاصی برای کسب سود بیشتر، اکثراً مرتکب تخلفاتی شوند که برای جامعه ضررهایی را ایجاد می‌کرد و از سوی دیگر هیچ‌گونه مسؤولیتی برای این‌گونه اشخاص، پیش‌بینی نشده بود، نقض مقررات عبور و مرور، تهدیداتی که علیه مصرف‌کننده از تولیدات به وجود می‌آمد، تولید غذا و داروهای ناسالم، تهدید محیط زیست، صدور چک‌های پرداخت‌نشده و کلاهبرداری از این طریق، نقض مقررات ساختمان، و غیره که ریشه در مسائل اقتصادی ناشی از توسعه صنعت و کسب درآمد بیشتر بود موجب شد تا قانونگذاران اروپایی برای دفاع از جامعه در قبال این‌گونه تخلفات تدابیری را پیش‌بینی نمایند که بر این اساس مسؤولیت کیفری بر پایه عنصر روانی استوار نباشد چه اثبات عنصر روانی و احراز سوء نیت در این قبیل تخلفات ممکن نبود و قانونگذاران اروپایی با رویکردی بر این مهم و جلوگیری از تخلفات روز افزون

و دفاع از افراد جامعه مسؤولیت کیفری مطلق را بنا نهاده که دادگاه در محکوم کردن اشخاص متخلف نیاز به اثبات عنصر روانی نداشته و اماره قانونی را بر مسؤولیت کیفری مرتکب بگذارد و بدین طریق از یک طرف کنترل بیشتر نسبت به اشخاص در حوزه فعالیت‌های اقتصادی شان صورت بگیرد و از طرفی دیگر کارفرمایان و اشخاص مسؤول کنترل و نظارت بیشتر در حوزه فعالیت‌های اقتصادی داشته باشند.

با اتکاء بر این موضوعات می توان مبانی مسؤولیت مطلق را در شرایط ذیل بررسی نمود:

بند اول - جرم مغایر با منافع عمومی باشد.

جرم مغایر با منافع عمومی، جرمی است که در آن، هیچ مسئله اخلاقی وجود ندارد و معمولاً حداکثر مجازات آن کم است و با تکیه بر این مسئله شرط قابلیت سرزنش بودن یا خطای مرتکب حذف، چرا که اثبات قابلیت سرزنش (سوء نیت) می‌توانست بر کرائی قوانین تأثیرات منفی بگذارد به طور مثال جرائم مربوط به فروش غذا یا داروهای آلوده یا مسموم را در نظر بگیرید هرچند پیشرفت‌های حاصله در شیوه‌های تجزیه و تحلیل شیمیایی به معنای آسان‌تر شدن کشف آلودگی‌هاست، لیکن افزایش زیاد استاندارد تولیدات و پیچیدگی شدید محتوای ترکیبی آنها اثبات این امر را که تولیدکننده یا تاجر از عدم تطابق کالا با استانداردها مطلع بوده بسیار مشکل‌ساز بوده و اگر عنصر روانی برای مسؤولیت کیفری لازم شناخته می‌شد، قانون تنها به حروف مرده‌ای تبدیل می‌گشت که قابلیت اجرا نداشت.^۱ گفته شده اماره قانونی علیه مسؤولیت مطلق در جرائم مغایر با منافع عمومی ضعیف‌تر از همین اماره در جرائم واقعی است.^۲

جرائم مغایر با منافع عمومی فهرستی از جرائمی را شامل می‌شود که به وسیله قواعد بهداشت و معیارهای ارزشیابی مواد غذایی و صنعت (ساخت) نوشیدنی‌ها، قواعد حفظ و

1. Elliott and Other op.cit.p32.

2. Elliot and cther.Ibid.p32.

حمایت از محیط زیست و کنترل آلودگی، حمایت از مصرف کننده، مقررات مربوط به تولیدکنندگان، مقررات ساختمان و غیره وضع شده است و هدف قانونگذاران از این رهگذر تشویق مجرمین بالقوه به رعایت احتیاطات بیشتر درخصوص فعل ممنوعه است. پذیرش مسؤلیت کیفری مطلق نه تنها در مقررات ساختمان سازی منحصر نگردید حتی در جرائم دیگر نیز مسؤلیت مطلق مورد امعان قرار گرفت.

قانونگذاران اروپایی در پذیرش مسؤلیت مطلق در این گونه جرائم (هرچند هم توأم با مجازات شدید باشد)، ضرورتی مورد امعان نظر قرارداده‌اند که در ارتقاء معیارهای بسیار بالا، احتیاط و نظارت بیشتر افراد (در حوزه‌هایی که احتمال بروز خطر وجود دارد) احساس می‌شود و با اتکاء بر همین ضرورت‌ها مسؤلیت کیفری مطلق (مسؤلیت بدون عنصر روانی) را مورد پذیرش قرارداده‌اند.

بند دوم - فایده و مصلحت

حقوقدانان اروپایی معتقدند «دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد مسؤلیت کیفری مطلق مردم را محتاط‌تر می‌کند و برخی از اشخاص در قالب این مسؤلیت تحت نظم و قاعده در می‌آیند»^۱ و هرگونه جرمه متعلقه را که مجازات معمول در این قبیل جرائم است، به عنوان بخشی از هزینه‌های لازم برای پرداختن به این گونه اقدامات محسوب می‌کنند و سایرین نیز اگر بخواهند قدرت رقابت در بازار را برای خود حفظ کنند تنها خواهند توانست آن گونه احتیاط‌هایی را که معقول است معمول دارند. به عبارت دیگر تحمیل مسؤلیت مطلق نمی‌تواند، از لحاظ اربابی، موجب تحصیل فایده‌ای بیش از آنچه که در صورت تبدیل همه این جرائم به جرائم مبتنی بر اهمال و مسامحه تحصیل خواهد شد گردد. به علاوه يك فاعل غیرقابل سرزنش نیازی به اصلاح یا سلب صلاحیت که دو هدف تثبیت شده دیگر برای ضمانت اجراهای کیفری هستند، ندارد و اگر هم داشته باشد این هدف با ضمانت اجرا و کنترل‌های اداری بهتر تحصیل خواهد شد.

بند سوم - عدم کارائی نهادهای اداری در برخورد با تخلفات

اثبات عنصر روانی و یا هر عنصر سرزنش دیگر در همه دعاوی بسیار مشکل و وقت‌گیر خواهد بود و از طرفی سهولت اداری نمی‌تواند تعیین‌کننده مرزهای حقوق جزا باشد و علاوه بر آن تحمیل مسؤولیت مطلق موجب صرفه جویی در وقت و هزینه صرف شده در بسیاری از دعاوی می‌گردد چرا که پس از محکومیت باید تحقیقاتی در مورد میزان قابلیت سرزنش بودن صورت گیرد تا مجازات مقتضی تعیین شود مثلاً در جرایم مربوط به محیط زیست که به عنوان يك جرم با مسؤولیت مطلق تلقی می‌شود هرگاه اثبات شود که مرتکب عمداً فاضلاب را به داخل رودخانه سرازیر نموده مجازات مرتکب بیش از بیست پوند خواهد بود کما اینکه در پرونده‌ای که در سال ۱۹۷۲ (در دعوی آلفاسل) مطرح بود چون مرتکب عمداً فاضلاب را به داخل رودخانه سرازیر نموده بود بیش از بیست پوند محکوم شد.^۱

از طرف دیگر نهادهای اداری در مقامی نیستند که بتوانند مسؤولیت کیفری مطلق را بر مرتکب تحمیل نمایند و بر این اساس مرتکب را مجازات کنند. هر چند مزیت کم اداری به عنوان یکی از مبنای پیدایش مسؤولیت کیفری مطلق است ولی این مسئله که آیا مسؤولیت مطلق، واقعاً تأثیر زیادی بر مصلحت اندیشی اداری دارد یا خیر، هنوز هم مورد بحث است و پرونده‌هایی هم وجود دارد که دادگاه‌ها به صورت گزینشی معتقدند که عنصر روانی بایستی اثبات گردد هر چند مسؤولیت مطلق می‌تواند محکومیت را آسان‌تر نماید، با این حال مشکلاتی در خصوص تعیین مجازات وجود دارد اما این امر به اعتقاد حقوقدانان اروپایی بدون در نظر گرفتن میزانی از مسامحه، نمی‌تواند منصفانه انجام شود. بنابراین، دلیل وضعیت ذهنی متهم، باید وجود داشته باشد.

بند چهارم - تقلیل مجازات

حقوقدانان معتقدند، مسؤولیت کیفری مطلق اغلب در خصوص جرایمی تحمیل

1 . Elliott and other opcit.p34.

می‌شود که حداکثر مجازات آنها، کم است و به نظر می‌رسد که هر چه حداکثر میزان مجازات بالاتر باشد، احتمال کمتری وجود دارد که دادگاه‌ها برای آن جرم، مسؤولیت مطلق را تحمیل نمایند. با این وجود در برخی مجازات‌های شدید نیز مسؤولیت مطلق برای مرتکب تحمیل می‌گردد و به اعتقاد قاضی اسکارمن هر جا که مقررات به منظور حمایت از امنیت عمومی وضع شده‌اند، علی‌رغم مجازات‌های شدید بالقوه، تحمیل شدن مسؤولیت مطلق کاملاً مناسب بوده است.^۱

گفتار سوم - ارکان (شرایط) تحقق مسؤولیت مطلق

برای اینکه مسؤولیت مطلق بر مرتکب تحمیل شود بایستی ارکان ذیل وجود داشته باشد:

بند اول - وجود مسامحه (خطا)

برای اینکه مسؤولیت مطلق تحمیل شود بایستی نوعی اهمال یا مسامحه (خطایی) از جانب وی سرزده باشد بدون وجود خطای فرضی، تحصیل مسؤولیت کیفری مطلق منتفی است زیرا خطایی از جانب مرتکب سر نزده است. وجود مسامحه یا بی‌مبالاتی در خصوص عواقب بدین معنا است که مرتکب پیش‌بینی عواقب نموده، اما قصد یا نیت ایجاد آنها را نداشته و مسؤولیت مطلق معمولاً در جرائمی اعمال می‌شود که مرتکب در انجام وظایف اهمال یا غفلت و یا بی‌مبالاتی نموده است و به عبارتی مسؤولیت مطلق در جرائمی اعمال می‌شود که مرتکب در ارتکاب جرم از هیچ سوء نیتی که برای جرائم عمدی لازم است (عنصر معنوی) برخوردار نیست اما به خاطر مسامحه یا غفلت یا بی‌مبالاتی مسؤولیت کیفری خواهد داشت. هر چند برخی از حقوقدانان اروپایی از جمله اسمیت^۲ و هوگان^۳ نظریه دیگری ارائه نموده‌اند و پیشنهاد می‌کنند که مسؤولیت در قبال مسامحه را بایستی جایگزین مسؤولیت مطلق کرد و در این راستا گفته‌اند این امر باعث می‌شود که متهمان

1. Elliot and other. lbit.p.34.

2. Smith.

3. Hogan.

بی‌پروا و بی‌توجه به اندازه متهمانی که عمداً قانون را نقض کرده‌اند، دستگیر شوند، اما قانون مجازات افرادی را که غیرقابل سرزنش‌اند، مجازات نمی‌کند. اصولاً هدف حقوق جزا پیشگیری از ارتکاب افعالی است که از نظر اجتماعی زیان‌بار باشد، منطقی نیست که از افعالی چشم‌پوشی شود که در نتیجه سهل‌انگاری، مسامحه یا حتی به طور تصادفی ارتکاب می‌یابند، همان‌طوری که می‌دانیم در جرائم عمدی، تحمیل مسؤولیت کیفری بدون اثبات عنصر روانی امکان ندارد، و سهل‌انگاری و مسامحه، اغلب معنای مشابهی دارند و از نظر سنتی، به شخصی اطلاق می‌شود که پایین‌تر از معیار مراقبت شناخته شده قرار می‌گیرد. و این مسئله را برای معیار عنصر روانی کافی می‌دانند. اصولاً برخلاف مسؤولیت مدنی، مسامحه و سهل‌انگاری برای تحمیل مسؤولیت کافی نیست ولی استثنائاً این مسئله در مسؤولیت مطلق مورد پذیرش قرار گرفته است. اگر چنین وضعیتی را فرض نماییم در امور تصادف رانندگی معمولاً از نظر کیفری افراد مسؤولیت نخواهند داشت، زیرا راننده اصولاً فاقد عنصر روانی است. با وجود این غفلت و سهل‌انگاری در چنین وضعیت‌هایی این امکان را می‌دهد که مسؤولیت کیفری از نوع مطلق برای وی به رسمیت بشناسیم و گفته شده مسؤولیت در قبال اعمال تصادفی می‌تواند در قبال جرایم مادی صرف نیز تحمیل شود،^۱ به طوری که شخص مسؤول نمی‌تواند به فقدان عنصر روانی در مقام دفاع و رد مسؤولیت خود استناد نماید.

عکس این قضیه در استرالیا مصداق دارد زیرا در حقوق استرالیا موضوعی تحت عنوان (Defence Of all due care) وجود دارد یعنی «دفاع مراقبت کافی» به موجب این سیستم بنیانگذاری شده، بایستی دفاع مراقبت‌های کافی در دسترس باشد. هر جا که جرم، مسؤولیت مطلق است را تحمیل می‌کند، متهم می‌تواند از طریق فراهم‌سازی دلیل مبنی بر اینکه وی مراقبت‌های کافی را به منظور اجتناب از ارتکاب جرم انجام داده، از محکومیت

1. Thomas Russo, Criminal Law, New Articles, 2006.

یافتن اجتناب نماید.^۱

اما در حقوق اروپایی این موضوع مورد پذیرش قرار نگرفته و دفاع در مقابل خطا و سهل‌انگاری برای عدم تحمیل مسؤولیت کیفری مطلق را مورد پذیرش قرار نمی‌دهند و حتی در صورتی که اشتباه متعارف باشد، متهم نمی‌تواند از دفاع اشتباه استفاده نماید و مسؤولیت مطلق به هر صورت قابل تحمیل می‌دانند.

به اعتقاد کنراد جانسون، در حقوق کیفری نیز مسؤولیت محض (مطلق) معنایی ویژه دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. از این نگاه قانون متجاوز را مستحق کیفر می‌بیند و او را به پرداخت جریمه و حبس محکوم می‌کند هرچند که عمد یا تقصیری نداشته باشد.^۲

بند دوم - ایجاد خطر (زیان) به واسطه نقض مقررات

مسؤولیت مطلق زمانی تحمیل می‌شود که اشخاص با نقض مقررات موجب ضرر جانی یا مالی شده باشد. تحمیل مسؤولیت کیفری مطلق در مواقعی که جرم خطر واقعی برای عموم دارد، آسان‌تر قابل توجیه است، برای اینکه مسؤولیت کیفری مطلق اعمال شود بایستی فعل زیان‌بار به عنوان عامل بروز ضرر ارتکاب یافته باشد و این فعل زیان‌بار در اثر نقض مقررات باشد، برای مثال قانون سلامتی و امنیت محیط کار، مقرر می‌دارد که ماشین‌های خاصی باید پوششی ایمنی داشته باشند و اگر این پوشش‌ها نصب نباشد، کارفرمایان مطلقاً مسؤولند خواه خسارت از عدم نصب این پوشش حاصل شده یا نشده باشد، یا در ساختمان‌سازی کارفرمایان از يك پیمانکار خارج از خودشان درخواست می‌کنند که بر مقررات ایمنی ساختمان‌سازی نظارت داشته باشد اما هنگامی که پیمانکاران کارگاه را با مقررات قانونی منطبق ندانند مسؤولیت کارفرمایان از نوع مسؤولیت کیفری مطلق باقی است.

بند سوم - رابطه علیت

1. Dennisl. Bryant. Strict Responsibility, incriminallnallaw. P60.

۲. کنراد جانسون، فلسفه حقوق، ص ۲۳۲ به نقل از دکتر کاتوزیان، مسؤولیت ناشی از عیب تولید، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۶۴.

بایستی بین ضرر وارده و نقض مقررات ناشی از اعمال و خطا رابطه وجود داشته و به عبارتی دیگر مسؤولیت کیفری مطلق زمانی اعمال می‌شود که ضرر وارده به شاکی ناشی از نقض مقررات مربوطه باشد. پس اگر ضرر وارده ناشی از نقض مقررات نباشد امکان تحمیل مسؤولیت مطلق وجود نخواهد داشت.

بند چهارم - وجود قانون

یکی دیگر از ارکان مسؤولیت مطلق وجود قانون است، قانون مشخص می‌کند که عنصر روانی برای تحمیل مسؤولیت کیفری و مجازات لازم است یا خیر، حقوقدانان معتقدند واژه «عالمًا» در قانون دادگاه‌ها را الزام می‌نماید که بررسی کنند عنصر روانی لازم است یا خیر و هر جا پارلمان تأکید کند که اماره قانونی باید اعمال شود، تمایل به استفاده از این واژه بیشتر است^۱ مسؤولیت مطلق وقتی بروز می‌کند که جرم مشتمل بر انجام عملی غیرقانونی یا انجام ندادن يك تکلیف قانونی باشد (عنصر مادی)، اینجا يك فرض کلی وجود دارد که عنصر معنوی در همه جرایم لازم است. این قاعده تنها عنصر روانی را مستثنی کرده است. در نظریه دیگر بیان شده در این نوع از جرایم که در امریکا «جرایم رفاه عمومی» نامیده می‌شوند، محاکم شروع به اتخاذ تصمیم نمودند و در مواردی که قانون نه به صورت صریح و نه به صورت تلویحی ضروری، وجود سوءنیت را لازم ندانسته است، نتیجه این می‌شود که مقصود پارلمان نیز، عدم ضرورت سوء نیت بوده و بدین ترتیب دادرسی می‌تواند فقط با اثبات «عنصر مادی» نتیجه بخشد.^۲

گفتار چهارم - بکترین و مسؤولیت کیفری مطلق

در خصوص مسؤولیت کیفری مطلق، حقوق‌دانان به دو دسته تقسیم شده‌اند؛ يك دسته از همین نظریه پیروی کرده و مسؤولیت کیفری بدون عنصر روانی را مورد تأیید قرار داده اما دسته دوم معتقدند عنصر روانی یکی از ارکان اساسی جرم بوده و قانوناً جرم

1. W.J.Brown. Geselaw,op cit.p,189.

2. David. Barker and Colin Padfield, law made simple London,1998.p.289.

بدون آن قابل تحقق نخواهد بود مگر اینکه نص قانونی به صراحت دال بر لازم ندانستن عنصر روانی از سوی مقنن باشد.

به اعتقاد دسته اول به مجرد وقوع تخلف از مقررات، مسؤولیت کیفری تحقق یافته و نیاز به جستجوی عنصر روانی نیست حتی به اعتقاد برخی از آنها عنصر روانی جزء عناصر اصلی جرم به شمار نمی‌آید این نظریه، به «نظریه موضوعی» معروف است.

گروه دوم که پیروان «نظریه شخصی» به شمار می‌آیند تحقق جرم بدون عنصر روانی را منکر شده و معتقدند مجازات متوجه روحیات مجرم می‌شود تا وی را به خاطر رفتار انحرافی که مرتکب شده مورد مواخذه قرار دهد لذا در صورتی که متهم اراده مجرمانه نداشته و مرتکب خطایی نشده باشد مجازات نیز موضوعیت نداشته و خالی از فایده خواهد بود. با این توضیح به بیان ادله‌هایی که از سوی مخالفین و موافقین مسؤولیت کیفری مطلق بیان شده می‌پردازیم.

بند اول - ادله مخالفین

الف - کنترل‌های اداری

اکثر این مقررات با اتکا بر تحولات اقتصادی، و پیشرفت صنایع در راستای توسعه جامعه وضع شده‌اند و می‌توانند بدون دخالت حقوق جزا، تنها تحت کنترل‌های اداری قرار گیرند برای مثال به مقامات اداری محلی حق بستن و یا به هر نحو دیگر محدود کردن عملیات شرکت‌هایی که موجب ورود مواد آلوده به رودخانه می‌شوند اعطا شود و نیاز به مداخله حقوق جزا و مقامات قضایی نیست.

ب - بی‌عدالتی

اصول سنتی حقوق جزا در درون جرائم انضباطی گنجانیده شده است و دلیلی ندارد که ما از شرط سرزنش یا خطا (عنصر روانی) صرف‌نظر نمائیم و تحمیل مسؤولیت مطلق خلاف قاعده و اصل است و نوعی بی‌عدالتی است در حق کسانی که مسؤول شناخته می‌شوند. در بسیاری از موارد حقوق جزا شخصی را مجازات می‌نماید که احتیاط معقولی را به عمل آورده و احتمالاً نتوانسته از ارتکاب جرمی اجتناب کند، چنین مسئله بر طبق منافع

عدالت نیست. این مسئله با این اصل که حقوق جزا تقصیر را مجازات می‌کند، در تضاد است و از طرفی دیگر این استدلال که گفته می‌شود، از آنجایی که اثبات وجود عنصر روانی بسیار مشکل و مسؤولیت مطلق باید اعمال شود، از نظر اخلاقی محل تردید است. به عنوان مثال، مقام تعقیب در اثبات عنصر روانی برای اتهام زنای به عنف با مشکل مواجه می‌شود، اما آیا این امر می‌تواند مستمسکی برای این باشد که زنای به عنف را جرمی با مسؤولیت مطلق در نظر بگیریم، هرچند بسیاری از جرائم با مسؤولیت مطلق از چنین جرائمی (جرم زنای به عنف) خفیف‌ترند، نسبت به برخی از این جرائم، مجازات‌هایی شدیدتر تحمیل می‌شود، اگر مسؤولیت مطلق تحمیل شده در چنین حوزه‌هایی تنها به این دلیل باشد که عنصر روانی، امر تعقیب را دچار مشکل می‌سازد، این مسئله بر طبق منافع عدالت توجیه‌پذیر نیست، محکوم کردن شخصی که در معنی متعارف مجرم نیست، آن هم تنها به این دلیل که مجازات تحمیل شده خفیف خواهد بود مغایر با عدالت است.

در بسیاری از پرونده‌ها حتی هر جا که مجازات‌ها خفیف باشند خود محکومیت مجازات محسوب می‌گردد. به طور مثال اگر قصاب ابرومندی، غیر عالماً گوشت فاسدی را بفروشد و این خبر در روزنامه محلی منعکس شود و مشتریان برای خرید گوشت به قصابی دیگر مراجعه کنند، این امر باعث ناراحتی قصاب می‌شود. چون محکومیت به از دست دادن اعتبار و در نتیجه مشتریان، فی نفسه برای قصاب مجازات محسوب می‌شود با وجود این، جزیی کردن مجازات در عمل منجر به الصاق برچسب محکومیت کیفری می‌شود که این برچسب نباید نسبت به اشخاصی اعمال شود که مراقبت متعارف را انجام داده اند. اسمیت و هوگان خاطر نشان کرده‌اند، در پرونده‌های که با حضور هیئت منصفه محاکمات صورت می‌پذیرد. وجود مسؤولیت مطلق باعث می‌شود که صرفاً به همراه قاضی در جهت هدف تعیین مجازات، مسائل موضوعی را لحاظ نمایند. این مسئله در دادگاه، مسائل موضوعی را از شرط اثبات، ورای هرگونه شکل معقول، میرا می‌سازد و به آنان اجازه می‌دهد که بر طبق اصول مضیق‌تری که رهنمود تصمیمات مبنی بر تعیین مجازات هستند، مبادرت به اتخاذ

تصمیم نماید و از طرفی مسؤولیت مطلق، میزان زیادی از اختیارات را به صلاحدید نهاد اجرایی واگذار می‌کند، هر جا که مسؤولیت مطلق این مسئله را تقریباً قطعی می‌کند که تعقیب منجر به محکومیت منتهی می‌شود، اتخاذ تصمیم در خصوص اینکه آیا تعقیب انجام شود یا خیر و اینکه نسبت به کسانی که مبادرت به اتخاذ تصمیم می‌کنند، نظارت‌های کمی وجود دارد یا خیر این موضوع را حائز اهمیت می‌سازد.

ج - عدم تأثیرگذاری

تأثیرگذاری مسؤولیت کیفری مطلق در بازدارندگی به اثبات نرسیده است و برای انواع جرائمی که در مورد آنها مسؤولیت کیفری مطلق تحمیل می‌شود، عامل اربعایی (بازدارندگی) مهم، نمی‌تواند به عنوان احتمال محکومیت محسوب شود، بلکه احتمالی برای دستگیری و متهم شدن است. به ویژه در تجارت غذا و نوشیدنی‌ها صرف اتهام به جرمی باعث رسوایی ناخوشایندی است و حتی اگر شرکت محکوم نشود، چون مشتریان به اصل «هیچ دری بی آتش نیست»، توجه می‌کنند محتمل است که آنان شاهد کاهش در فروش کارهایشان شوند، مشکل اینجاست که در بسیاری از پرونده‌ها، احتمال دستگیری و تعقیب زیاد نیست. در وهله نخست غالباً نهادهای اجرایی با کمبود نیروهایی برای نظارت به تعداد زیادی از مجرمین بالقوه، مواجه‌اند، در سال ۱۹۸۰ مرکز بازرسی از کارخانجات، تعداد ۹۰۰ بازرس در اختیار داشت که مسؤول گزارش دهی کار حداقل ۶۰۰/۰۰۰ کارگاه و کارخانه مختلف بودند و حتی هنگامی که مجرمین دستگیر می‌شدند به نظر می‌رسید که پاسخ معمول نهادهای اجرایی، نامه‌ای اخطار دهنده بود. اغلب مجرمین مزمن یا خطرناک چنانچه کارهایشان را به درستی انجام ندهند، ممکن است تهدید شوند که مورد تعقیب قرار می‌گیرند اما صرفاً تعداد کمی واقعاً مورد تعقیب قرار می‌گیرند. فراهم آوردن نیروهای بیشتر برای نهادهای اجرایی و تعقیب‌های بیشتر ممکن است تأثیر اربعایی بیشتری داشته باشد تا تحمیل کردن مسؤولیت مطلق بر اقلیتی که مورد تعقیب واقع می‌شوند. در واقع اعمال مسؤولیت مطلق، در بسیاری از حوزه‌ها به جای حصول اطمینان نمودن از معیارهای بالای

مراقبت، ممکن است تأثیری کاملاً برعکس داشته باشد، با دانستن این مسئله که صرف‌نظر از در نظر گرفتن هر احتیاط معقولی، امکان محکومیت به جرم وجود دارد، ممکن است انگیزه مدنظر قرار دادن چنین احتیاط‌هایی به جای افزایش دادن مراقبت موجب مراقبت شود.

پرفسورها در موضع انتقاد از نظریه مسؤولیت مطلق معتقدند: «این واقعیت که مسؤولیت مطلق صرفاً در جایی تحمیل می‌شود که مجازات احتمالی سبک و خفیف است بدین مضمون که شرکت‌های بی پروا حقوق را به سادگی به عنوان «مالیاتی جزئی برای کارای غیرقانونی» در نظر می‌گیرند. در حوزه صنعت، نیاز به حفظ اعتبار، در صنایع غذایی و نوشیدنی نیست بنابراین جریمه نقدی در مقایسه با تغییر عملکرد نادرست کاری کم هزینه‌تر است و بنابراین، ارزش اربعابی «بازدارندگی» کمی دارند، در این حوزه‌ها «غنی سازی حقوق جزا» از طریق توسعه جرائم دارای مجازات‌های شدیدتر، می‌تواند مؤثرتر باشد، حتی اگر این مسئله به معنی از دادن مصلحتی باشد که در تحمیل مسؤولیت مطلق وجود دارد»^۱.

برخی دیگر از حقوق‌دانان، توجیه مسؤولیت مطلق به خاطر حمایت عمومی را مانند به کاربردن پتک برای شکستن فندق تشبیه می‌نماید و در مثالی گفته‌اند، این مسئله که گوشت فاسد باعث مسموم کردن غذا می‌شود، اعم از اینکه قصاب به آن علم داشته باشد یا خیر، بالسویه است و لذا، در هر حال، عموم مردم در مقابل قصابی که گوشت فاسد می‌فروشد، نیاز به حمایت دارند. اما هنگامی که می‌خواهیم از مجازات قصابانی اطمینان حاصل نمائیم که عالماً گوشت فاسد می‌فروشند و آنهایی که احتمالاً به بازرسی وضعیت گوشت خود توجه ندارند یا توجه کمی دارند، چطور می‌توانیم حمایت عمومی را جلب کنیم، در حالی که قصابی را مجازات می‌کنیم که همه مراقبت‌های احتمالی را در نظر گرفته و نتوانسته از ارتکاب جرم ممانعت به عمل آورند و در جرائم با مسؤولیت مطلق دادگاه‌ها

1. Elliott and other Ibid.p39.

تصمیمی اتخاذ می‌نمایند که تأثیر اربعابی آن ضعیف است.^۱

د - عدم هماهنگی بین دادگاه‌ها در استناد به مسؤولیت مطلق

بین دادگاه‌ها برای تحمیل کردن یا نکردن مسؤولیت مطلق، هماهنگی وجود ندارد، تحمیل یا عدم تحمیل مسؤولیت مطلق به اشخاص، مستلزم آگاهی دقیق از تفسیر قانونی است، در جرائمی که برحسب تفسیر، مسؤولیت مطلق به اشخاص، مستلزم آگاهی دقیق از تفسیر قانونی دارد و در جرائمی که برحسب تفسیر، مسؤولیت مطلق نسبت به آنها اعمال می‌شود و برعکس تمایزاتی وجود دارد. در طی سال‌ها، تغییر در پرونده‌هایی که به آنها مسؤولیت مطلق تحمیل می‌شود، بازتاب سیاست اجتماعی بود، دادگاه‌ها در حوزه‌هایی تعدیل شدند که باعث ایجاد منفعت عمومی در زمان مشخص می‌شد. از آنجایی که این مسئله می‌تواند به خاطر منافع جامعه توجیه شود، هم برای حفظ قطعیت مجاز است و هم برای حفظ این اصل که پرونده‌های مشابه، باید به طور مشابهی مورد رسیدگی قرار گیرند، اما این امر موجب صدور آراء مختلف از سوی دادگاه‌ها در تحمیل یا عدم تحمیل مسؤولیت مطلق شد.

در پرونده لیم چین ایک علیه آر. (Lim Chin Ail. V.R.) (1963). شخص به اقامت در سنگاپور، علی‌رغم صدور قرار و منع علیه وی، متهم شد. قاضی اور شد (Ever shed) بیان داشت امر موضوعی قانونی، دلیل کافی برای مداخله دادن این مسئله که مسؤولیت مطلق منظور نظر قانون بوده است، نمی‌باشد.^۲

از طرفی این مسئله نیز مورد تردید بود که آیا تحمیل مسؤولیت مطلق کمک می‌کند یا خیر و اگر مجرمین بالقوه تمامی احتیاطات لازم را به عمل می‌آوردند تا از ارتکاب جرم پیشگیری شود، باز مسؤولیت کیفری تحمیل می‌شد. گرچه دلیلی برای تحمیل مسؤولیت مطلق وجود ندارد و به تعبیری نمی‌توان گفت، قانونگذار مسؤولیت مطلق را صرفاً به منظور

1. C.M.V.Clarksan, Understanding, Criminal Law.p.98.

2 Elliot and other, Ibid.p.40.

یافتن بزه دیده بدشانس، وضع نموده است.

در پرونده اسمدلیس علیه برید (1974) (Smdleys V. Breed) موضوع از این قرار بود که پس از کشف کرمی کوچک در یکی از میلیون‌ها قوطی کنسرو نخود فرنگی متهمان بر طبق قانون غذا و دارو مصوب سال ۱۹۵۵ محکوم شدند. علی‌رغم این واقعیت که متهم تمامی احتیاطات لازمه را به عمل آورده، قاضی هیلشم (Hails am) از تحمیل مسؤولیت مطلق بنا به استدلال دفاع کرد و چنین اظهار نمود: «برای اجرا نمودن قانون غذا و دارو مصوب سال ۱۹۵۵ در مفهومی که سریع تر از آنچه من اتخاذ کردم، نقض شدید قانون به منظور حمایت از مشتری بود.»^۱

هـ: استفاده از جایگزین‌های بهتر

جایگزین‌هایی برای مسؤولیت مطلق از قبیل بازرسی بهتر از اماکن تجاری و تحمیل مسؤولیت برای مسامحه وجود دارند که در پیشگیری از صدمه، عادلانه‌تر و مؤثرترند.

بند دوم - ادله طرفداران مسؤولیت مطلق

الف - افزایش مراقبت

طرفداران این نظریه معتقدند، با ارتقاء و افزایش معیارهای بالای مراقبت، مسؤولیت مطلق، از عموم در برابر رویه‌های خطرناک حمایت می‌کند و باربارا ووتون (Barbara Wootton) دانشمند علوم اجتماعی، از مسؤولیت مطلق دفاع می‌کند و بر این مبنا که اگر هدف قانون جزا پیشگیری از فعالیت‌های زیانبار اجتماعی باشد، نادیده گرفتن کسانی که به دلیل سهل‌انگاری، مسامحه یا حتی به طور تصادفی، صدمه‌ای وارد می‌کنند، معقول نیست.^۲ مسؤولیت مطلق موجب افزایش مراقبت و کارایی می‌گردد. آگاهی نسبت به مسؤولیت مطلق هزینه‌ای است که باید در زمان ایجاد یک کسب یا تجارت در نظر گرفته شود. این امر موجب تشویق مؤسسات تجاری به انتخاب افراد متخصص، جهت حصول اطمینان نسبت به سالم بودن محصولات‌شان می‌گردد. قرار دادن بار مسؤولیت بر دوش

1. Elliot and other, Ibid. p.41.

2. Clarkson, Ibid p 128.

چنین مؤسساتی که در موقعیتی قرار دارند که می‌توانند از ورود ضرر جلوگیری نمایند، برقرار دادن آن بر دوش عامه مردم بی‌تقصیر رجحان دارد.^۱

ب - جنبه بازدارندگی و ارعابی

دومین دلیل طرفداران نظریه مسؤولیت مطلق این است که این‌گونه مسؤولیت‌ها، جنبه ارعابی و بازدارندگی قوی را مهیا می‌سازند. به ویژه هنگام تمایل به رسیدگی به جرایم مغایر با منافع عمومی بسیار مهم است که این‌گونه مسؤولیت‌ها اعمال شود.

پلیس و اداره دادستانی بسیاری از جرایم را از رهگذر نهادهای ویژه از قبیل بازرس امنیت و بهداشت مورد تعقیب و قرار می‌دهند رسیدگی نهادهای مزبور بر اعمال قواعد امنیتی در محل‌های کار، نظارت می‌کنند. این نهادها با اعمال فشار به مجرمین برای عدم نقض قانون از طریق تعقیب یا حتی تهدید به عنوان آخرین حربه، اقدامات لازمه را معمول می‌دارند. که مسؤولیت مطلق به نهادهای اجرای قانونی اجازه دهد که جایگاه مورد انتظار خود را تقویت کنند، زیرا مجرمین بالقوه می‌دانند در صورتی که تعقیب انجام شود، احتمال زیادی برای محکومیت یافتن آنان وجود دارد.

ج - عدم وقفه اجرای عدالت

مسؤولیت مطلق باعث اجرای سهل‌تر تعقیب این جرایم می‌شود، و طرفداران این نظریه معتقدند اگر مقام تعقیب مجبور می‌شد حتی در کوچک‌ترین جرایم مغایر با منافع عمومی، عنصر روانی را اثبات نماید، اجرای عدالت دچار وقفه‌ای کامل می‌شد. پس با پذیرش مسؤولیت کیفری مطلق این معضل از دوش تعقیب‌کنندگان برداشته شده و از وقفه در اجرای عدالت جلوگیری می‌شود.

د - مشکل اثبات عنصر روانی

کثرت جرائم انضباطی، صرف‌نظر کردن از عنصر روانی و یا سایر شاخصه‌های قابلیت سرزنش، را ایجاب می‌نماید. در بسیاری از جرائم با مسؤولیت مطلق، اثبات عنصر روانی را اثبات بسیار مشکل است، بنابراین گناهکاران از محکومیت فرار می‌کنند و هرگاه اثبات

1. Elliott and other Ibid.p41.

عنصر روانی شرط لازم برای محکومیت شناخته می‌شد، این امر موجب ائتلاف وقت در محاکمات می‌گشت. زیرا شرکت‌هایی وجود دارند که در آنها اثبات این امر بسیار دشوار است.

ه - عدم تهدید آزادی

در بسیاری از پرونده‌های دارای مسؤولیت مطلق، متهم، حسابگر است و مجازات جزای نقدی است. بنابراین عموماً آزادی فردی در معرض تهدید قرار نمی‌گیرد، حتی اغلب جرمه‌های نقدی جزئی هستند.

و - سود ناشی از خطر

طرفداران این نظریه، سود ناشی از خطر را یادآور می‌شوند. و می‌گویند، هنگامی که جرمی ناظر به تجارت است، مرتکبین آن، مبالغی پول برای خود، پس انداز می‌کنند و به موجب آن، سود هنگفتی عایدشان می‌شود، مثلاً از طریق اطاله زمانی که باید صرف رعایت کردن مقررات ایمنی شود اگر شخصی خطری ایجاد کند و از طریق این کار، سودی کسب کند، چنانچه چنین خطری باعث صدمه شود یا بتواند صدمه ایجاد کند، حتی اگر چنین قصدی وجود نداشته باشد، آن شخص باید مسؤول قلمداد شود.^۱

ز - سازگاری با عدالت

در تحمیل مسؤولیت کیفری مطلق بی‌عدالتی صورت نمی‌گیرد، چرا که جرائم یا مسؤولیت مطلق جرائم واقعی نمی‌باشند، بلکه جرائم و تخلفات انضباطی هستند. محکومیت در قبال این جرائم فاقد قباحتی است که برای جرایم واقعی وجود دارد، و مجازات‌ها معمولاً سبک می‌باشد. حق اعمال نظری که در تعقیب وجود دارد غالباً موجب می‌شود که تنها بر تعقیب کسانی پافشاری شود که به نوعی قابل سرزنش هستند و در موارد دیگر، یعنی هرگاه متهمی که کاملاً غیرقابل سرزنش است مورد تعقیب قرار گیرد و محکوم شود، معمولاً يك حکم سبک به شخیص دادگاه صادر خواهد شد.^۲

1. Ellitt and others, Ibid p 42.

2. Thomas Russo, Ibid. p.48.

گفتار پنجم - رویه برخی از کشورهای اروپایی و کمیسیون حقوقی اروپا در

پذیرش مسؤولیت کیفری مطلق

بند اول - رویه کشورهای اروپایی

در انگلستان و ایالات متحده آمریکا اصل مسؤولیت مطلق به خصوص در مورد جرائم مربوط به رفاه عمومی مورد پذیرش قرار گرفته بنابراین طبق گزارش اوکوس، در انگلستان اصل مسؤولیت مطلق در مورد برخی جرائم زیست محیطی حفظ گردیده است. وی می گوید اگر از مأموران تعقیب غیر از این خواسته شود، بسیاری از جرائم آلودگی بدون مجازات خواهد ماند.

در فرانسه و بلژیک نیز اصل مسؤولیت مطلق تا حدودی در مورد بزه‌ها آلودگی پذیرفته شده است ولی در گزارش‌های سایر کشورها ظاهراً دلائلی بر له مسؤولیت مطلق در مورد کنترل آلودگی ارائه نگردیده است، بلکه به عقیده سنتی که غفلت را لااقل شرط مسؤولیت می‌داند، حفظ شده است.

به علاوه طبق گزارش مبدأ، در ایالات متحده آمریکا، به استناد قانون اساسی آن کشور، اثبات اینکه آیا تخلف از مقررات مربوط مثلاً در جرائم محیط زیست عمدی یا ناشی از غفلت بوده است، به عهده سازمان فدرال محیط زیست گذاشته شده است. در ایالات متحده آمریکا دو دعوای مهم در مورد نقض مقررات قانون فدرال در مورد مواد غذایی، دارو و مواد آرایشی مطرح گردیده است. دعوای اول بین دولت آمریکا و شرکت دو ترویج (Dotterweich) در سال ۱۹۴۳ و دعوای دوم بین دولت آمریکا و پارک (park) در سال ۱۹۷۵ اقامه گردیده است.^۱

در دعوای اول، دیوان عالی آمریکا، مسؤولیت مطلق را درباره دو ترویج پذیرفت ولی در مورد دعوای دوم، دیوان عالی کشور نظر داد که برای اینکه بتوان پارک رئیس شرکت فروشگاه‌های آکم (Acme) را که اداره مرکزی اش در نیویورک بود، به اتهام تقلبی بودن

1. Clarkson. Ibid. p. 188.

مواد غذایی آن شرکت که در انبارهای بالتیمور (Baltimore) نگهداری می‌شدند، مجازات کرد، باید غفلت او را به اثبات رساند.^۱ این رأی نشان می‌دهد که در امریکا گرایش در جهت عدول از اصل مسؤولیت مطلق پدید آمده است. ولی حتی اگر غفلت يك عامل اساسی در تحقق یافتن مسؤولیت شناخته شود، بازهم مشکل کاملاً حل نخواهد شد زیرا به طوری که می‌دانیم مفهوم غفلت مبهم است و در حقیقت بعضی از اوقات این اصطلاح برای توجیه مجازات‌های کیفری مورد استفاده قرار می‌گیرد، غالباً غفلت فرد به خصوصی که در آن مؤسسه کار می‌کند، قابل اثبات نیست. برای حل این مشکل بررسی دقیق‌تری درباره ماهیت و مفهوم غفلت در این گونه جرائم، ضرورت دارد. پرنوسیل می‌گوید: «به عقیده من در مورد آزمایش‌های عملی و ابداع روش‌های جدید مفهوم سابق تقصیر ناشی از عدم دقت و اشتباه، باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد. از این لحاظ جای خوشوقتی است که در نظر است مفهوم غفلت در دستور کار کنگره آینده بین‌المللی قانون جزا قرار گیرد.»

کشورهای سوسیالیست «مسؤولیت مطلق» را بیشتر مورد توجه قرار داده‌اند و در این زمینه سیاست‌های کیفری فراگیرنده‌ای را اتخاذ و به مورد اجراء گذاشته‌اند و حتی می‌توان به قانون اساسی یوگسلاوی به عنوان نخستین قانون اساسی ای که مقررات مربوط به مسؤولیت مطلق را مورد توجه قرار داده اشاره کرد، قوانین اساسی کشورهای اتحاد جماهیر شوروی، بلغارستان، مجارستان مسؤولیت مطلق را نیز مورد پذیرش قرار داده‌اند.

در رومانی نیز حزب کمونیست اصولی از قانون اساسی سال ۱۹۷۳ را به پذیرش مسؤولیت مطلق در جرائم محیط زیست اختصاص داده است.

رویکرد پذیرش مسؤولیت مطلق در قانون حفاظت محیط زیست جمهوری دموکراتیک آلمان که در سال (۱۹۷۰) به تصویب رسیده مشاهده می‌گردد.

گرچه در زمینه پذیرش مسؤولیت مطلق در کشورهایی که آزادی فعالیت‌های مؤسسات

1. Elliott and Others, Ibid.p.37.

اقتصادی و تولیدی را به عنوان يك اصل اساسی تلقی می‌کند، هماهنگی وجود ندارد. اما در این جهت تدابیر جامع و فراگیرنده‌ای برای برخورد با برخی جرائم با پذیرش مسؤلیت مطلق اتخاذ شده، که می‌توان به قانون کنترل آلودگی مصوب ۱۹۷۴ (انگلستان)، قانون سیاست ملی محیط زیست مصوب ۱۹۷۰ (آمریکا)، قانون محیط زیست مصوب ۱۹۷۶ (ونزوئلا) و قانون بنیادی کنترل آلودگی محیط زیست مصوب ۱۹۷۰ (ژاپن) به عنوان نمونه اشاره کرد.

علاوه بر این در قانون مجازات جدید فرانسه مصوب ۱۹۹۴ به صراحت مسؤلیت کیفری مطلق مورد پذیرش قرار گرفته است. در همین راستا در ماده ۳-۱۲۱ قانون مارالذکر مقرر گردیده است: «بدون قصد ارتکاب عمل، جنایت یا جنحه محقق نمی‌شود. با این وجود، موقعی که قانون پیش‌بینی می‌کند، در موارد به خطر انداختن اشخاص دیگر جنحه به وجود می‌آید - همچنین در صورت پیش‌بینی قانون - در موارد بی احتیاطی و غفلت و در مواردی که در عمل الزام قانونی یا آئین‌نامه‌ای به مراعات احتیاط یا ایمنی قصور شود، جنحه تحقق می‌یابد.

اما اگر فاعل، لدی اقتضاء متناسب با نوع مأموریت با کاری که انجام می‌دهد متناسب با صلاحیت‌های خود و نیز متناسب با توانایی‌ها و وسایلی که در اختیار دارد باشد. جنحه محقق نمی‌شود در موارد وجود قوه قهریه خلاف محقق نمی‌شود.»

ماده فوق‌الاشاره، جرائم با مسؤلیت مطلق را در صورتی که قانون پیش‌بینی کرده باشد، در جرائم جنحه‌ای مورد پذیرش قرار داده است.

بند دوم - رویه کمیسیون حقوقی اروپایی

پیش‌نویس کمیسیون حقوقی در سال ۱۹۷۸ در مورد مسؤلیت کیفری (عنصر ذهنی)، تأکید می‌کند که چنانچه پارلمان، جرمی با مسؤلیت مطلق را ایجاد کند، باید آن را به طور مشخص اعلام کند. هر جا این عمل انجام نشود، دادگاه‌ها باید فرض کنند که عنصر روانی،

مورد نیاز است. رویه این اجازه به دادگاه‌ها مبنی بر اتخاذ تصمیم، هنگامی که مسؤولیت مطلق باید اعمال شود، تحت این عنوان که آنان قصد پارلمان را تفسیر کنند، کمکی نمی‌کند و تنها منتهی به تورم کیفری می‌شود.

بند سوم - رویه کشور ایران

علی‌رغم توسعه فعالیت‌های اقتصادی در ایران و سیر صعودی آن، تاکنون در نظام کیفری ایران مسؤولیت مطلق کیفری به صراحت مورد پذیرش قرار نگرفته و حقوقدانان کشورمان نیز معترض این مسئله نگردیده‌اند، در متون جزایی ایران و در بسیاری از مواد قانون مجازات اسلامی «عالمًا» و «عامدا» شرط تحقق مسؤولیت کیفری و تحمیل مجازات دانسته شده است.

در موادی از قوانین متفرقه جمهوری اسلامی ایران، موارد محدودی از پذیرش مسؤولیت کیفری مطلق به صورت ضمنی به چشم می‌خورد. که می‌توان به مواد ۲ (گران فروشی) و کم فروشی و تقلب، ۷ (پنهان کردن یا عدم فروش کالا)، ۶ (عدم درج قیمت به صورت برداشتن آن توسط شاگرد یا نماینده) قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۶۷/۱۲/۲۳ و ماده ۱۳ و ۱۵ و ۱۷ قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ در خصوص پروانه ساخت یا مجوز ورود دارو (ماده ۱۳) و عرضه و فروش دارو بدون حضور مسؤول فنی (ماده ۱۵) و تهیه دارو بدون رعایت ضوابط استاندارد (ماده ۱۷) اشاره نمود.